

Examining the necessity of interdisciplinary study of geography

1- Arzamani, Meisam *2-amiri, Ebrahim

1. *Education North Khorasan, Bojnord, Iran · Meisam.Arzamani@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Geography Education, Farhangian University, Tehran, Iran. Dr.amiri@cfu.ac.ir

ABSTRACT

Keywords:

geography,
interdisciplinary,
solution,
benefits,
science

¹ .Corresponding
author



Meisam.Arzamani
@yahoo.com

Since ancient times, the course of geography has been combined with other scientific disciplines, especially statistics, mathematics, economics, sociology, history and psychology: one in practical terms and the other in terms of interpretation and definition of concepts. Therefore, in this research, the necessity of interdisciplinary study has been examined. This research is of a descriptive-analytical and documentary type, and the library method was used to collect information. The findings of the research show that various measures have been taken in this field so far, among them is the establishment of interdisciplinary trends. Although these measures are a step forward. Therefore, it is necessary to organize these types of studies and planning, and the gap that has emerged due to the over-specialization of sciences and their fragmentation must be repaired. The knowledge of geography has been prominent both in terms of its multidisciplinary nature and in terms of its application in environmental management. As a result, societies experience new issues in every period, and it is necessary to successfully pass that period towards a better future, finding suitable solutions for problems and issues, and this is possible only through participation and help from other scientific fields.

ISSN (Online):

DOI:

Received: 1403/02/25 Reviewed: 1403/06/07 Accepted: 1403/06/15. PP: 17

Citation (APA): ZareanAdarmanabadi , F. (2023). Examining the necessity of interdisciplinary study of geography : *The Journal of Theory and Practice in Teachers Education*, 6(2), 75-91.

 <https://doi.org/10.12345/tej.12.10.112>



بررسی ضرورت مطالعه میان رشته‌های جغرافیا

۱- *میثم ارزمانی، ۲- ابراهیم امیری

۱- *آموزش و پرورش خراسان شمالی، بجنورد، ایران، Meisam.Arzamani@yahoo.com

۲- استادیار گروه علوم انسانی، عضو هیات علمی جغرافیا دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی، بجنورد، ایران

Dr.amiri@cfu.ac.ir

چکیده

درس جغرافیا از قدیم در جهات مختلفی با رشته‌های دیگر علمی به ویژه آمار، ریاضی، اقتصاد، جامعه‌شناسی، تاریخ و روانشناسی عجین بوده است: یکی از لحاظ عملی و دیگر از جهت تفسیر و تعریف مفاهیم. بنابراین در این پژوهش به بررسی ضرورت مطالعه میان رشته‌ای بودن جغرافیا پرداخته شده است. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و اسنادی می‌باشد و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون در این زمینه اقدامات متنوعی صورت گرفته که از جمله آن‌ها تأسیس گرایش‌های بین رشته‌ای است. این اقدامات اگرچه گامی رو به پیش بوده. بنابراین، سامان‌دهی این نوع مطالعات و برنامه‌ریزی‌ها ضروریست و شکافی که در اثر تخصصی شدن بیش از حد علوم و پاره پاره شدن آن‌ها پدید آمده است باید ترمیم شود. دانش جغرافیا هم از نظر ماهیت چندرشته‌ای خود و هم از نظر کاربرد در مدیریت محیط مطرح بوده است. در نتیجه جوامع در هر دوره مسائل جدیدی را تجربه می‌کنند و لازمه عبور موفق از آن دوره به سوی آینده‌ای بهتر، یافتن راه حل‌های مناسب برای مشکلات و مسائل پیش آمده است و این تنها از طریق مشارکت و کمک گرفتن از دیگر رشته‌های علمی میسر می‌شود.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید

DOI:

واژه‌های کلیدی:

جغرافیا،

میان رشته‌ای،

راهکار،

مزایا،

علم

۱. نویسنده مسئول

Dr.amiri@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵

شماره صفحات: ۱۷

۱- مقدمه

علم جدید پس از دکارت و کانت دچار تحولات عظیمی شد (ghanei, 1394:102). پس از انقلاب صنعتی، توانایی انسان در تحلیل مسائل و ورود به اجزا آن‌ها مورد توجه قرار گرفت و این امر تخصصی شدن علوم را در پی داشت (Gulshani, 1397: 72) و در عین حال، نقد تجزیه گرایی در حوزه پژوهش، زمینه را برای شکل دهی "میان رشته پژوهی" فراهم نمود (Samadi, 1391: 118). در دوره پسا مدرنیسم ایده‌های پیوند علوم در طرح‌های مختلفی مطرح شده است که رویکرد میان‌رشته‌ای یکی از آن‌ها است. کار علمی بین‌رشته‌ای راه ایفای نقش‌های بهتری را برای علوم، همکاری علمی و حل مسائل جهان باز می‌کند. همینطور برای آماده‌سازی دانشجویان برای آینده شغلی، می‌توان با گسترش علوم میان رشته‌ای، راه حل مشکلات پیچیده‌ای را که نیاز به تفکر نوآورانه، طراحی و کار تیمی مؤثر دارند، ایجاد نمود (Han al et. 2020:770) در این میان، علم جغرافیا که در گذر زمان و به ضرورت تخصصی شدن به سه رشته جغرافیای طبیعی، جغرافیای انسانی و فنون جغرافیایی تقسیم شده است در هر کدام از رشته‌های خود از علوم مشابه و نزدیک به خود به منظور غنی‌سازی مبانی نظری و توسعه قلمرو مطالعاتی بهره می‌برند (Hataminejad, 1391: 15).

استدلال و تبیین در جغرافیا از طریق روابط فضایی بین پراکندگی‌ها و به صورت استقرا و یا قیاس صورت می‌گیرد، همکاری متقابل و کسب شناخت اساسی جغرافیایی با استفاده از بینش، اطلاعات و ابزار سایر رشته‌های علمی در کانون تحقیقات جغرافیایی بوده و در سده‌های اخیر منجر به تحقیقات گسترده با ماهیت روابط مکمل بین رویکردهای فضایی- زمانی و انسانی- محیطی در جغرافیا شده است و دیدگاه تعامل طبیعت- جامعه و جامعه- فضا مورد توجه قرار گرفته است. با بررسی بسیاری از این تحقیق‌ها می‌توان نتیجه گرفت که تحلیل‌های جغرافیایی متشکل از سه قطب بزرگ و نامحدود با دامنه وسیعی از ارتباطات و روابط متقابل است. این سه قطب عبارتند از: تحلیل فضایی، روابط متقابل انسان و محیط، و تحلیل مبتنی بر مکان و تحلیل ناحیه‌ای. تحلیل فضایی ابتدا روی مسأله کجایی متمرکز می‌گردد اما پرسش‌ها به سرعت روی ردیابی چرایی و چگونگی می‌رود (Afrahakhte, 1395: 1126). با این وجود انتظار داریم، جغرافیای زمان ما چرایی و چگونگی‌ها را دنبال نموده و ضمن کشف دلایل موجه راه‌حل‌های مناسبی را ارائه دهد. نتایج بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد، علوم انسانی به طور کلی در دانشگاه‌های کشور دچار پسرفت شده است (Ghasemi and Emami, 1394:2). علم جغرافیا از این امر مستثنی نبوده و پسرفت و ناکارایی‌های جغرافیای رایج و بی‌اعتنایی مردم و محققان دلسوز مسأله امروز جغرافیا و شاید جهان است. به طوری که هولت- جنسن اشاره- می‌کند متخصصان جغرافیای انسانی در پایه‌ریزی قوانین حاکم بر فرآیندها پیشرفت اندکی داشته‌اند (Afrahakhte, 12395: 130). این شاید به دلیل ساده‌سازی بیش از اندازه علوم باشد که با کنار زدن ادراکات کلی از هستی، جامعه به منزله اجزایی تلقی می‌شود که با کلیت خود پیوندی ندارد و در این بین تجزیه علوم انسانی به مراتب خسارت بارتر است (parade, 1393: 7). در ادامه "تخصص" بهانه‌ای

می‌شود تا شناخت به تقلیل‌گرایی و آزمایشگاهی شدن مبتلا شود (Afrahakhte: quote from Fukuhi, 1395:2). جغرافیا از دیدگاه جغرافیدانان به عنوان علمی میان رشته‌ای شناخته می‌شود که در تعامل علمی مداوم با سایر رشته‌ها قرار دارد و مسائل کنونی این رشته در امتداد دو طیف تقلیل‌گرایی و تجزیه‌گرایی بیش از اندازه این رشته ارزیابی می‌گردد. چاره رفع این مشکل، برقراری پیوند دوباره آن با علوم نزدیک در حوزه علوم اجتماعی و رفتاری و حتی غیر از آن است. در این زمینه برقراری ارتباط علمی دوجانبه با رشته‌های علمی و اجرایی (کاربردی) می‌تواند اندیشه‌ای راهگشا باشد.

ترکیب دیدگاه‌ها و زمینه‌های کاری، روش‌ها، نظریه‌ها و موضوعات مورد بحث در هریک از این رشته‌ها با هم، زمینه طرح مباحث جدید و متنوعی را فراهم می‌کند که راه حل آن نیز می‌تواند به همان اندازه متنوع باشد. هرچه تنوع مورد نظر، بخش‌های اساسی مقاله‌ها را تحت تأثیر قرار داده باشد، مسائل بیشتر و تازه‌تری مطرح می‌شوند که با راه حل و ایجاد گفتمان درباره آن‌ها، علم جغرافیا می‌تواند در برخورد با واقعیت‌هایی که پیچیده شده‌اند احاطه بیشتری از خود نشان دهد. علم جغرافیا معطوف به مطالعه اوصاف و ویژگی‌های انسانی و طبیعی، برخوردار از زیرشاخه‌های متنوع است (جغرافیای طبیعی، جغرافیای انسانی، جغرافیای زیست‌محیطی، دانش نقشه‌برداری و ...) که نمی‌توان آن‌ها را به طور کامل از هم جدا کرد، بلکه تخصص‌گرایی، دقت و عمیق شدن در یک بعد و جهت، باعث تجزیه و جدایی آن‌ها از یکدیگر شده است. هرچند که اصلاح علمی به شدت بر دامنه توسعه و ارزش‌گذاری در عصر مدرن افزود و متعاقب آن به تدریج دانش تجربی بر تمام ابعاد علمی سایه انداخت، اما باید عنایت داشت که چنین تفکیک و تبیینی رویکردی یک‌جانبه و ناقص بوده است. بنابراین ضرورت مطالعه بین‌رشته‌ای و تلاش برای بهره‌مندی از توانایی یکدیگر امری معقول، منطقی و دارای نتیجه مضاعف است.

بنابراین اکنون وقت آن رسیده است که به صورت مرحله به مرحله به اصلاح و در صورت نیاز، توسعه این اقدامات پرداخته شود تا برنامه‌ها و کارها در جایگاه اصلی خودشان قرار بگیرند. البته اسناد بالادستی کشور نیز، مانند قانون برنامه چهارم توسعه کشور و بند ه - ماده ۱۵ فصل دوم قانون برنامه پنجم کشور، و صفحات ۳۵، ۳۰، ۱۲، ۳۶ و ۳۸ سند نقشه جامع علمی کشور و همچنین سند چشم‌انداز توسعه کشور، بر توسعه و گسترش مطالعات بین رشته‌ای تأکید کرده‌اند یا در رهنمودهای خود به اولویت‌هایی اشاره کرده‌اند که از لوازم تحقق آن‌ها، گسترش دوره‌های آموزشی و مطالعات بین رشته‌ای است. بدیهی است که نخستین گام در این مسیر، در اولویت قرار دادن آموزش‌های بین رشته‌ای، و تدوین برنامه‌ها و سرفصل‌های مورد نیاز در این زمینه است. از اینرو کمیته برنامه‌ریزی جغرافیا از سال‌های گذشته دستور به اقدام به ایجاد گرایش‌های بین رشته‌ای کرده است (Hosseinzadeh Gholam, 1391: 81). این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که ضرورت مطالعات میان‌رشته‌ای در علم جغرافیا چیست؟ برای بررسی اهمیت و ضرورت میان‌رشته‌ای ابتدا باید مفهوم‌شناسی انجام گیرد.

۲- مبانی نظری و پیشینه

میان‌رشته‌گی: رشته سازمان‌یافتگی در متن دانش علمی و موجب تقسیم‌بندی و تخصصی‌شدن است و به تنوع در زمینه‌های علمی پاسخ می‌گوید. با این که هر رشته در مجموعه علمی بزرگتری قرار دارد به واسطه محدود بودن، زبان تخصصی کنونی و نظریه‌هایی که مختص آن رشته هستند، به طور طبیعی گرایش به مستقل بودن دارد (Bahrani, 1392:53) به علاوه، بین رشته‌ای بودن، مستلزم یکپارچگی و تغییر شکل حوزه علمی پیشین و ایجاد شکل‌های تازه‌ای از دانش است (Akbari, 1393:3). اما آنچه که مشهود است این است که رشد و توسعه می‌ان‌رشته‌ای‌ها در ایران چندان محسوس و قابل اعتنا نمی‌باشد (Shahamat, 1394:174). در حالیکه توسعه علمی فرایند است که الزاماتی (در قالب چند فرآیند) بر آن مترتب است و دست کم شامل مواردی می‌گردد که اولین آن‌ها "فرهنگ علمگرایی"، دومین فرآیند "ساختارهای مدیریت و برنامه‌ریزی"، "محیط حقوقی" سومین فرایند است، چهارمین فرایند "توسعه نهادهای نظام علمی" و پنجمین آن‌ها "توسعه زیرساخت‌ها، امکانات و تجهیزات و..." است (Tofighei and Farasatkah, 1381:3). در این میان چهارمین فرایند یعنی توسعه نهادهای نظام علمی از این جهت که به ویژگی‌های نهادهای علمی اشاره دارد، نقش پررنگتری دارند. برخوردار از ساختی انعطاف‌پذیر، مشارکت‌پذیر و پیشنهادپذیر از جمله ویژگی‌های مهمی است که در قالب توجه به علوم میان‌رشته‌ای خود را نشان می‌دهد (Davari&ardakani, 1384:3). امروزه انتظار می‌رود که دانشگاه‌ها در پی تولید دانش جدید به شیوه‌ای تدریس کنند که به مشکلات جامعه فراتر از چهارچوب یک رشته واحد بپردازند (Nandan & London, 2013:816). (Terkashund& davar, 1401:2).

در گسترش میان‌رشته‌ای، داورپناه سه مسأله جدی را بر سر راه تحلیل علوم اجتماعی، از نظر تمایل به میان‌رشته‌گی می‌بیند: تغییر و تحول دایم؛ تنوع و گوناگونی ابعاد و حالات پدیده اجتماعی؛ و حضور انبوه‌های اقدام‌کننده و نسبتاً مختار (انسان‌ها) او ادامه می‌دهد که استناد به محتوای رشته‌های دیگر در برخی از رشته‌های علوم انسانی از لحاظ می‌ان‌رشته‌گی یک امتیاز است و جغرافیا یکی از اولین‌ها در این زمینه محسوب می‌شود. جغرافیدانان وابسته به موضوع نیستند، زیرا دامنه وسیعی از موضوعات را بررسی می‌کنند، آن‌ها مرتب به رویکردها نیز نیستند، زیرا دامنه وسیعی از جنبه‌ها و ابزارها را به کار می‌برند و ارزش استفاده از روش‌های چندگانه را ارزیابی می‌کنند تا جنبه‌های مختلف یک مسأله را ارزیابی کنند. جغرافیا به مثابه نظامی عمل می‌کند که می‌تواند در مطالعه سیستم‌های انسانی و طبیعی نقش سنتز فکری داشته باشد. این ویژگی‌های مشخص‌کننده جغرافیا، آن را با بسیاری از علوم دیگر مرتبط می‌سازد و گامی برای روابط متقابل مولد آن‌ها بر می‌دارد. تجربه جغرافیدانان در تعامل با سایر قلمروهای موضوعی، کمک می‌کند که همانند کاتالیزوری برای فعالیت مولد در بین علوم چندوجهی عمل نمایند (Afrakhakte, 1395:132).

در تعاریف ارائه‌شده از سوی جغرافیدانان بر اهداف علم جغرافیا در موارد زیر تأکید شده است: جغرافیا علمی ترکیبی است که باید به سه پرسش چه چیز، کجا و چرا پاسخ دهد (گنجی)؛ تحلیل‌های

جغرافیایی با دو سیستم روبرو است: سیستم اکولوژین به معنی سیستم پیوند انسان با محیط و سیستم فضایی به معنی سیستم پیوند یک مکان از سطح سیاره زمین با مکان‌ها دیگر (شکوئی)؛ جغرافیا به طور مداوم با دو موضوع درگیر است: یکی توزیع پدیده‌ها در فضای زمینی و دیگری ساختار و فرایندهای فضایی که از مهمترین فعالیت‌های جغرافیدانان هستند (میرحیدر) و به تنوع بسیار زیاد پدیده‌ها در محیط طبیعی و انسانی توجه دارد (محمودی) که بر سه مفهوم انسان محیط و روابط بین آن‌ها به عنوان مغز و هسته اصلی جغرافیا و موضوع آن تأکید می‌نماید (مؤمنی)؛ مرکب بودن علم جغرافیا و نیاز آن به سایر علوم برای حل مسائل خود و اینکه جغرافیا با مطالعه سیستم‌های فضایی چشم‌انداز انسان را در پیشرفت و بهره‌برداری مطلوب از منابع راهنمایی می‌کند (علیجانی) بخش دیگری از شناخت درباره جغرافیا است؛ لزوم پذیرش و تشریح آینده‌نگری این قرن از طرف جغرافیا و حتی پیش‌بینی آن و اینکه جغرافیا جنبه‌ها مختلفی مانند جغرافیای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که هر یک در تلاش هستند تا نقشه یک سری از عوامل را روشن‌سازند (حسین‌زاده دلیر) راهگشای پژوهش‌ها است و تشریح این که علم جغرافیا با تعداد بسیاری از علوم طبیعی و انسانی هم‌پیوندی و تداخل دارد و به این ترتیب به صورت یک علم میان‌رشته‌ای درآمده است (سلیمانی) یک امر شناخته شده در کارهای جغرافیایی می‌باشد؛ (Mohammadi, 1394:31-33).

مرکب‌بودن علم جغرافیا در تعاریف پیش گفته یا به روشنی بیان شده و یا در مضمون آن‌ها نهفته است. ماهیت میان‌رشته‌ای نقطه قوت علم جغرافیا محسوب می‌شود، زیرا این علم با تلفیق یافته‌های سایر رشته‌ها بینش قوی را درباره مسائل واقعی در مکان‌های متفاوت برای محققان ارائه می‌دهد. میان رشته‌ای بودن جغرافیا است که به جغرافیدان اجازه می‌دهد تا به ساختارهای فضایی ایجاد شده توجه و آن را تحلیل کند و این بیش از هر عاملی به جامعیت و کل‌نگری بینش جغرافیا و راه و روش کارآمد و قابل اتکای آن در تحقیق مدیون است (Hataminejad, 1391:24). از آنچه که درباره توسعه و پویایی علمی و تعریف بین رشته‌ای در مباحث متفکرین و محققانی که ذکر آن‌ها گذشت، مفاهیم هفتگانه زیر به عنوان نشانه‌های قابل مطالعه در میزان پویایی و توسعه علمی، به دست می‌آیند: رفع محدودیت‌های ناشی از تخصصی شدن؛ کمک به تعمیق مطالب و ژرف اندیشی محققان؛ متنوع‌سازی روش‌های حل مسائل؛ حل مسائل جدید در زمینه علمی؛ تنوع بخشی به موضوعات علمی؛ تغییر زاویه دید محققان به مسائل؛ گسترش مرزهای علم. (Terkashund& davar, 1401: 20).

یکی از مسائلی که امروز در جغرافیا بررسی می‌شود تولید فضا است. تحلیل فضا مسأله‌ای چند بعدی است که بررسی و درک این پدیده از یک سو مستلزم شناخت جنبه‌های گوناگون محیط طبیعی است که در قلمرو علوم مختلف است و از سوی دیگر مهم‌ترین بعد تولید فضا جنبه انسانی - اجتماعی و اقتصادی - سیاسی است که تحلیل واقع‌گرایانه آن تنها در پیوند با علوم مختلف دیگر میسر می‌شود. در رابطه با ضرورت مطالعه میان رشته‌ای جغرافیا پژوهش‌های در داخل و خارج از ایران انجام شده است که به عنوان نمونه می‌توان به

ترکاشوند و دادورخانی (۱۴۰۱) به تحلیل تأثیر مطالعات میان‌رشته‌ای بر پویایی علمی جغرافیا (با تمرکز بر مطالعات میان رشته‌ای کارآفرینی- جغرافیا) پرداخته‌اند. براساس یافته‌های این مطالعه، در محورهای اصلی مورد بررسی یعنی: موضوع، اهداف، زمینه، نتایج، افراد و موقعیت متغیر کارآفرینی، تنوع محدودی در رویکرد پژوهشگران وجود دارد و کارهای بین رشته‌ای با کارآفرینی، تأثیر محدودی بر محورهای مورد بررسی برای پویایی علمی جغرافیا دارد. در حالی که رویکرد تنوع‌بخشی در جغرافیا به عنوان یکی از قدیمترین علوم میان‌رشته‌ای می‌تواند پویایی، قدرت تشخیص، حل مسأله علم جغرافیا، و کارآیی جغرافیدانان را در جامعه خود افزایش دهد.

جباری (۱۴۰۰) به گسترش علم، تفکر بین رشته‌ای و خطرآسیب‌های بنیادی به جغرافیای ایران پرداخته است. نبود برنامه‌ریزی آموزشی هدفمند و مبتنی بر حل مشکلات جامعه که از این ضعف‌ها سرچشمه می‌گیرد با ایجاد آشفتگی فکری در فارغ التحصیلان کارشناسی آن‌ها را از حل موضوعات ساده باز داشته و در سطوح بالا انتخاب موضوع متناسب و تولید یافته‌های علمی قابل توجه که به عنوان تنها خروجی علمی دانشگاه‌ها به شمار می‌رود را از آن‌ها سلب می‌کند. از این رو، فعال شدن انجمن‌های علمی، همکاری جدی جغرافیدانان با انجمن‌ها، کمک‌های اداری سیاستمداران تحصیلکرده جغرافیا برای اجرایی کردن درخواست انجمن‌ها و عملکرد جدی نشریات در هدایت و چاپ تحقیقات اصیل اولین گام در جهت برون‌رفت از این بن بست می‌باشد.

افراخته (۱۳۹۵) به تحول جغرافیا به‌عنوان علمی میان‌رشته‌ای پرداخته است. نتیجه نشان می‌دهد، تحقیقات جغرافیایی خصلت بین‌رشته‌ای دارد در غیر اینصورت نمی‌تواند مسائل پیچیده جهان کنونی را تبیین کند. جغرافیا می‌تواند هم از دستاوردهای علوم دیگر از جمله آمار، ریاضی، اقتصاد، جامعه‌شناسی، تاریخ و روانشناسی بهره‌برد، هم خدمات متقابلی به آنها ارائه و خود به شکوفایی برسد.

غلامحسین‌زاده (۱۳۹۱) به ضرورت تأسیس گرایش‌های بین رشته‌ای در رشته زبان و ادبیات فارسی پرداخته است. تعریف برنامه‌ها و سرفصل‌های درسی جدید بین رشته‌ای در حوزه زبان و ادبیات فارسی از راهکارهای بنیادی برای توسعه و اصلاح و ساماندهی این نوع مطالعات است؛ و اینکه این برنامه‌ها باید مربوط به کدام مقطع تحصیلی باشد، چه موضوعاتی را دربرگیرد و در بین نیازهای متعدد به کدام اولویت بدهد، و سپس آن‌ها را با چه ساختار و قالبی از قبیل رشته یا گرایش یا درس تعریف کند مسائلی است که در این مقاله موردتوجه و تأمل قرار گرفته و چند پیشنهاد نیز ارائه شده است.

پل کلاوال (۱۳۷۳) در معرفی جغرافیای نو انسان را در کانون تأملات پژوهنده قرار می‌دهد: «موجودی که در فضا جلبه جا می‌شود جریان‌هایی از کالاها و اطلاعات را پدید آورده یا دریافت می‌دارد فضا را قابل ادراک می‌کند بر اعتبار و ارزش آن می‌افزاید و سرانجام برای اعمال تسلط بر آن فضا را سازماندهی می‌کند (کلاوال، ۱۳۷۳، ۲۲).

از نظر گیلبرت (۱۹۰۹)، متخصصانی که برای همیشه در خانه می‌مانند و در چارچوب حصار خود کند و کاو می‌کنند البته دارای مزیت زراعت تشدید می‌هستند اما از یک چیز غافلند و آن بارورسازی متقابل است. گیلبرت معتقد است پیشرفت اغلب از طریق روابط متقابل علوم با یکدیگر اتفاق می‌افتد و عبور علمی یک رشته در دیگری و یا همکاری بین رشته‌ای یکی از الگوهای سودمند روابط متقابل است (گیلبرت، ۱۹۰۹: ۱۲۲-۱۲۱).

هارلان (۱۹۲۲) کوشید مرزی پیرامون جغرافیا به عنوان اکولوژی انسانی بنیان نهد. ادوارد می‌گوید: «جغرافیدانان در جستجوی جای پای سفت و محکم و تصویر معنی دار، کوشش می‌کنند خودشان را از سایر علوم جدا کنند. از نظر او جغرافی‌دانان به جای این که جغرافی را به صورت کوششی در راستای اهداف علمی وسیع‌تر ببینند و بررسی‌های خیلی جدیدتر را هدف‌گیری کنند آن را به عنوان یک پایان در خودش می‌بینند. تافی (۱۹۷۴) سه دیدگاه غالب جغرافیا را مورد بررسی قرار داده است. رویکرد سازمان فضایی، رویکرد مطالعات ناحیه‌ای و رویکرد روابط انسان - زمین. مارکوس (۱۹۷۹) جغرافیای طبیعی را به عنوان یکی از ستون فقرات این علم و زمینه همکاری فعال جغرافیدانان طبیعی و انسانی در بررسی مسائل حاد و بحرانی معرفی کرده است. (افراخته، ۱۳۹۵: ۱۲۶).

دانش جغرافیا به عنوان یکی از دانش‌های کهن بشری راه تکامل خود را پیموده و می‌پیماید. چنین ادعا می‌شود که موضوع (هستی‌شناسی) علم جغرافیا بررسی پراکنش هاست یعنی چه چیزی کجا هست و کجا نیست؟ با همین دیدگاه، در جغرافیا، هدف درک قانون پراکنندگی هاست که در دو بخش چگونگی و چرایی انجام می‌شود. استدلال و تبیین در جغرافیا از طریق روابط فضایی بین پراکنندگی‌ها و به صورت استقراء و یا قیاس صورت می‌گیرد علیجانی (۱۳۹۴) با بررسی دیدگاه‌های مزبور می‌توان آن‌ها را در قلمرو جغرافیای کلاسیک و مکانیکال طبقه‌بندی کرد زیرا صرف شناخت پراکنندگی پدیده‌ها و تبیین آن‌ها از طریق روابط فضایی پراکنندگی‌ها اگرچه فاقد اهمیت نیست اما توجیه‌گر ماهیت پدیده‌ها نیز نیست، به طور مثال اگر پراکنندگی معادن سوخت فسیلی در خاورمیانه شناخته شود و همزمان پراکنندگی جمعیت در این ناحیه نیز مشخص گردد به خودی خود میزان دسترسی مردم بدان در راستای ارتقای کیفیت زندگی در خاورمیانه قابل تحلیل نخواهد بود.

دیدگاهی در ایران پا را فراتر گذاشته و جغرافیا را از دید نظری علم فضاشناسی و از نظر کاربردی، علم ساخت فضا معرفی می‌کند که باید روندها را در راستای نیازهای انسانی به کار گیرد. در این دیدگاه ابعاد مختلف فضا معرفی شده ولی مطالعه هر یک از ابعاد آن وظیفه شاخه‌ای از علم جغرافیا دانسته شده است. مثلاً مطالعه بعد زیستی را در قلمرو جغرافیای زیستی دانسته و بررسی بعد سیاسی را در تخصص جغرافیای سیاسی معرفی کرده است (Hafez Nia ، 1393). این تعریف گرچه در راستای تأمین نیازهای جامعه گامی به جلو است، اما مشخص نیست که جغرافیدان زیستی با چه تخصصی می‌تواند بدون کمک علم زیست‌شناسی سازگاری یا عدم تطابق انواع گیاهان و جانوران

را با تغییرات رو به تزاید محیطی بررسی کند؟ جغرافیای اقتصادی مسئول مطالعه بعد اقتصادی فضاست اما معلوم نیست بدون شناخت کارکرد سرمایه و قوانین انباشت آن به تبعیت از اقتصاد سیاسی چگونه باید زایش چشم اندازها را در جهان امروز تبیین کند؟ و یا بررسی جنبه مدیریتی فضا کار کدام جغرافیدان است؟ چنین است که این دیدگاه را می‌توان روندی به سمت واقع گرایی اما در چارچوب خاص جانب‌دارانه ارزیابی کرد.

استفاده از دستاوردهای سایر علوم و همکاری با آن‌ها در جهت حل معضلات پیچیده جهان کنونی نه تنها از اعتبار جغرافیا نمی‌کاهد، بلکه در حد آنچه که هست و نقشی که می‌تواند بازی کند (که البته با اهمیت هم هست)، جایگاه جغرافیا را حفظ می‌کند. در اینصورت جغرافیا می‌تواند ضمن بهره‌مندی از دستاوردهای علوم دیگر از جمله آمار، ریاضی، اقتصاد، جامعه‌شناسی، تاریخ و روانشناسی، خدمات متقابلی نیز به آنها ارائه دهد و خود به شکوفایی برسد. در ادامه به بیان پیشینه و تاریخچه موضوع، روش ارائه کار، تحلیل، ارائه نتایج و پیشنهادات در رابطه با ضرورت مطالعه میان رشته‌ای جغرافیا پرداخته می‌شود (شکل شماره ۱).



شکل شماره (۱) مدل مفهومی پژوهش

باتوجه به مباحث مطرح شده، می‌توان بیان کرد که علم جغرافیا، علم مطالعه و بررسی تمام جنبه‌های محیطی و انسانی می‌باشد که با استفاده از روش‌های علمی مختلف به انجام این عمل می‌پردازد. این علم نمی‌تواند با دیگر علوم مختلف بی ارتباط باشد و زمانی به نتایج مطلوب می‌رسد که تمام عوامل را در ارتباط با یکدیگر مطالعه کند. در ادامه به بیان نظریه‌هایی از دانشمندان جغرافیا پرداخته شده است که در جهت پاسخ فرضیه پژوهش می‌باشد، که آیا ضرورتی هست علم جغرافیا به عنوان یک علم میان‌رشته‌ای مطالعه شود؟

۳- روش تحقیق

این مقاله با روش تحلیل محتوای کیفی منابع، درباره موضوع انجام شده است. داده‌های مورد نیاز با روش اسنادی جمع‌آوری شده است. از طریق تأمل مجدد در تحقیقات و نظریه‌پردازی‌های انجام گرفته پیشین و فراترکیب آن، ضرورت مطالعه میان رشته‌ای علم جغرافیا در راستای رسیدن به هدف مورد بررسی قرار داده است.

۴- یافته‌ها

ناتولی (۱۹۹۴) در دهه ۱۹۸۰ جنبشی در ایالات متحده در جهت اصلاح آموزش جغرافی پیش دانشگاهی به وجود آمد و شبکه‌ای از اتحادیه جغرافیایی دولتی با تأکید بر پنج موضوع اساسی موقعیت مکان، روابط متقابل انسان، محیط، حرکت و ناحیه به عنوان چارچوبی برای آموزش جغرافی تشکیل شد. بر این اساس جغرافی به عنوان مجموعه‌ای از مفاهیم و مهارت‌ها معرفی و اعلام شد که جغرافی کلکسیونی از واقعیت نیست که ابتدا در اذهان حفظ شده و بلافاصله فراموش گردد.

بائر والد، (۲۰۱۰) در سده‌های اخیر تحقیقات گسترده‌ای با ماهیت روابط مکمل بین رویکردهای فضایی - زمانی و انسانی - محیطی در جغرافیا انجام شده است و دیدگاه تعامل طبیعت - جامعه و جامعه - فضا مورد توجه قرار گرفته است. با بررسی بسیاری از این تحقیقات می‌توان نتیجه گرفت که تحلیل‌های جغرافی متشکل از سه قطب بزرگ و نامحدود با دامنه وسیعی از ارتباطات و روابط متقابل است. این سه قطب عبارتند از تحلیل فضایی روابط متقابل انسان و محیط و تحلیل مبتنی بر مکان و تحلیل ناحیه‌ای. تحلیل فضایی: تحلیل فضایی ابتدا روی مسأله کجایی متمرکز می‌گردد اما پرسش‌ها به سرعت روی ردیابی چرایی و چگونگی می‌رود تحقیقی که تحلیل کشف مسائلی نظیر وابستگی فضایی و ناهمگونی فضایی را تعقیب می‌کند. روابط متقابل انسان و محیط: این بخش ارتباطات پیچیده بین جمعیت انسانی کره حیات و سیستم طبیعی را در مقیاس متنوع بررسی می‌کند. تحلیل مبتنی بر مکان و تحلیل ناحیه‌ای: این بخش بیش از آن چه تحت عنوان ناحیه کلاسیک انجام می‌شد رشد کرده است و سنت‌هایی را مطالعه می‌کند که باید در داخل نقش مکان و فضا به عنوان عواملی که رفاه انسانی، معیشت انسانی و همینطور روابط متقابل انسان و محیط را متأثر می‌کند بررسی شود.

افراخته (۱۳۹۵)، همانگونه که نشان داده شده خطوط مولد تحقیق در جغرافیا اغلب بین دو یا تمام سه قطب مزبور دارای هم پوشانی است. مجموعه‌ای از مثال‌ها نشان می‌دهد که چگونه جغرافی‌دانان با علاقه‌های متنوع می‌توانند چارچوب گسترده و انعطاف‌پذیر رشته‌ای را برای کشف موضوعات مختلف در راه مشابهی به کاربرند. در ارتباط با تحلیل ابعاد فضایی روند سیستم، ژئومورفولوژیست‌ها می‌توانند مطالعه کنند که چگونه جریان آب در مسیر جریان کانال‌های مرفولوژی را متأثر می‌کند و بوم زیست‌های گونه‌های مختلف آبی را تغییر می‌دهد. جغرافیای شهری اثرات طراحی راه‌های مختلف را در جریان ترافیک و اثرات آن در کاربری زمین بخش‌های نزدیک بررسی می‌کند. در ارتباط با روابط متقابل بین سیستم‌های مختلف در طول مقیاس‌ها و مکان‌ها، جغرافیدانان فرهنگی می‌توانند فعل و انفعالات بین بازارهای جهانی برای یک کالا و اثرات آن را در عملیات کاربری زمین ساکنان یک ناحیه بررسی کنند. کلیماتولوژی پیامدهای احتمالی تغییرات اقلیمی بزرگ مقیاس را در میکروکلیماتولوژی کلانشهرهای دارای رشد سریع کشف می‌کند. در ارتباط با روابط قدرت بین ساکنان یک مکان تئورسین‌های اجتماعی می‌توانند مسائل عدالت محیطی مربوط به راه‌هایی را مطالعه کنند که روش‌های بهداشت عمومی در یک ناحیه صنعتی قدیمی اجرا می‌شود جایی که سلامت اعضای فقیرتر جامعه در خطر است جغرافیدانان متخصص جغرافیای زیستی اثرات گونه‌های مهاجم را در گیاهان،

حیوانات و کاربرد انسانی - محلی، جایی را که اکوسیستم تغییر می‌یابد بررسی می‌کند. بنابراین جغرافیا به عنوان یک علم، به طور فعالی دامنه متنوعی از تحقیقات مربوط به فضا مکان و روابط متقابل و مخصوصاً پویایی روابط متقابل را در امتداد فضا و مکان مطالعه می‌کند و در همه این موارد به قانونمندی‌های علوم دیگر نیاز دارد که دلیلی بر ضرورت بین رشته‌ای بودن علم جغرافیای مدرن است. افراخته (۱۳۹۵)، یکی دیگر از عواملی که دال بر ماهیت بین رشته‌ای جغرافیاست آن است که جغرافیدانان وابسته به موضوع نیستند زیرا دامنه وسیعی از موضوعات را بررسی می‌کنند، جغرافیدانان مرتبط به رویکردها نیز نیستند زیرا دامنه وسیعی از جنبه‌ها و ابزارها را به کار می‌برند و ارزش استفاده از روش‌های چندگانه را ارزیابی می‌کنند تا جنبه‌های مختلف یک مسأله را بررسی کنند. جغرافیا به مثابه نظامی عمل می‌کند که می‌تواند در مطالعه سیستم‌های انسانی و طبیعی نقش سنتز فکری داشته باشد. این ویژگی‌های مشخص‌کننده جغرافیا ما را با بسیاری علوم دیگر در ارتباط می‌گذارد و گامی برای روابط متقابل مولد با آنها بر می‌دارد. فنومن‌ها و روندهایی که در آن جغرافی درک عمیق‌تر از ابعاد فضایی و تعامل سیستمی را جستجو می‌کند، موضوعاتی هستند که سایر رشته‌ها نیز در آنها متمرکز می‌شوند. از طریق همکاری با محققان این علوم می‌توان شناخت جدیدی به دست آورد که احتمالاً اگر به طور مستقل عمل شود، تحقق پیدا نخواهد کرد. به علاوه تجربه جغرافیدانان در بررسی تعاملی در امتداد قلمروهای موضوعی کمک می‌کند که کاتالیزوری برای فعالیت مولد در تیمی متشکل از علوم چندوجهی باشند.

ریاضی (۱۳۹۲)، حال سوال این است که آیا جغرافیای شهری می‌تواند به نحو مستقل، تبیینی کارآمد و متناسب از پدیده شهر داشته باشد؟ از جهات مختلف، پاسخ منفی است. مسائل و مشکلات انبوهی که شهر را احاطه کرده است، رویکرد میان رشته‌ای به این پدیده را در سراسر جهان ضروری کرده است. رشته جغرافیا در عمل به نظم مستقل دانشی خود وفادار نمانده و با مراجعه به نوع نگرش و رویکرد، یافته‌ها و دستاوردهای دیگر رشته‌ها کوشیده تا به فهم وسیع‌تری از موضوع اصلی رشته خود دست یابد به دیگر سخن جغرافی دانان در تحلیل‌های خود نوع طراحی و ساختار معماری را مورد توجه قرار می‌دهند. برخی از نظریه پردازان جغرافیا افق دیگری از میان رشتگی را در برابر خود گشوده‌اند. در همین رابطه شکل‌گیری ایده و نظریه اکولوژی شهری و استفاده از نظریات زیست‌شناسی در شناخت و تحلیل شهر را باید در چهارچوب انتظام میان رشته‌ای شهر فهمید. به عنوان مثال اگرچه دیدگاه برگس (۱۹۶۷) در توصیف شیکاگو با استفاده از این نظریه از سوی منتقدان نحله‌های دیگر به ویژه نئو مارکسیست‌ها مورد اشکالات متعددی قرار گرفت، اما این نظریه هنوز مورد بحث بسیاری از جامعه‌شناسان شهری بوده و در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود.

ما مفورد، (۱۳۸۵) آثار لوفور و به ویژه جامعه‌شناسی و فلسفه شهر و روستا، «جامعه‌شناسی و فلسفه زندگی روزمره، حق بر شهر و انقلاب شهرنشینی نیز صبغه میان رشته‌ای دارند. از خلال بررسی شهر به مثابه پدیده‌ای میان رشته‌ای نتایجی به دست می‌آید از جمله نکته اول اینکه شهر انبوهی از

مسائل و موضوعات بنیادین است که با انسان و داشته‌هایش معنی می‌یابد. شهر در معنای تاریخی خود نقطه‌ای است که در آن حداکثر تمرکز قدرت و فرهنگ یک اجتماع متبلور می‌شود. در شهر کالای تمدن تکثیر می‌شود. نکته دوم اینکه شهر و انسان، لازم و ملزوم و کامل‌کننده یکدیگر هستند. هر چند در مسیر تاریخ و جغرافیای شهری، رابطه انسان با شهر دچار تحول شده است و نسبت‌های تعامل انسان و شهر متنوع و متعدد است، اما همین ویژگی و تحولات آن رویکرد میان رشته‌ای به شهر و نیز انسان را ضروری می‌کند؛ سومین نکته این است که آنجا که شهر پدیده‌ای میان رشته‌ای است روش پرداختن به شهر نیز نوعی می‌انگی و بینابینی را می‌طلبد. به تعبیر علمی شهر متنی است که روش قرائت آن حرکت در آن است و در خلال این حرکت می‌توان آن را فهمید.

به تعبیر دو سرتو (۱۳۸۲) و (Johnson et al, 1994:222) شهر پیچیده‌ترین متنی است که انسان تولید کرده است. حال خوانش چنین متنی چگونه می‌تواند در توان تنها یک شاخه از جغرافیای انسانی موسوم به جغرافیای شهری باشد؟ تحلیل فاجعه به عنوان یک پدیده تنها از دید عوامل محیط طبیعی میسر نیست، زیرا تقریباً هیچ شوک نفتی و هیچ قحطی‌ای در سال‌های اخیر تقدیر طبیعی نبوده، بلکه منشأ اجتماعی و به خصوص اقتصادی داشته است. در دهه ۶۰ شمسی قطعنامه همایشی در دانشگاه تبریز خواستار آن بوده که از ورود آب‌های شیرین رودها به دریاچه ارومیه جلوگیری شود زیرا ورود آب به دریاچه ضمن اینکه به تأسیسات بندری فشار می‌آورد آب‌های شیرین را شور و از حیظ انتفاع خارج می‌سازد. اگر این همایش با دیدگاه کل‌گرایی دریاچه ارومیه را به‌عنوان یک اکوسیستم طبیعی می‌دید، هرگز چنین ادعایی نداشته و در بروز فاجعه کنونی دریاچه ارومیه سهیم نمی‌شد. به همین دلیل مطالعه در جغرافیای ناحیه‌ای با مبنای گسترده‌ای از محیط، انسان با ویژگی‌های جمعیتی ساختار اشتغال باورهای اجتماعی و سیاسی مشخص می‌شود چنین مطالعه‌ای نه در قلمرو کامل علوم طبیعی و نه در حیطه تمام عیار علوم انسانی و اجتماعی قرار دارد و در عین حال موضوعی جغرافیایی است.

حسین زاده (۱۳۹۱:۸۱) در مجموع، فضای کلی جامعه علمی و دانشگاهی ایران روز به روز به ضرورت توسعه مطالعات بین رشته‌ای گرایش بیشتری پیدا کرده است؛ و این امر گذشته از آنکه برای پر کردن شکاف بین علوم که بر اثر تخصص‌گرایی افراطی پدید آمده است ضروری است، بیشتر متأثر از عوامل مختلف علمی و اجتماعی دیگری است که برنامه‌ریزی در این زمینه را در اولویت قرار می‌دهد. اگرچه رویکرد اولیه جامعه ایران به مطالعات بین رشته‌ای بیشتر تحت تأثیر روشهای رایج غربی بوده، یا روزگاری براساس برنامه‌های رسمی و دولتی و اسناد بالادستی، به عنوان یک وظیفه اداری پیگیری شده است، امروز یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر اجتماعی و علمی تلقی می‌شود؛ زیرا عملاً دانشگاه‌ها به تأسیس اینگونه رشته‌ها اقدام کرده‌اند، دانشجویان و محققان به آن روی آورده‌اند، اهل علم و مطالعه نتایج کاربردی آن را کشف کرده و از ارائه نکات تازه لذت برده‌اند، و توسعه ارتباطات علمی و اجتماعی - بخصوص دسترسی به منابع و اطلاعات گوناگون در شبکه

اینترنت و گسترش فناوری‌های جدید علمی و ارتباطی و نرم‌افزاری روند این نوع تحقیقات را تسهیل کرده است؛ همچنانکه چندوجهی دیدن انسان و آمیختگی روزافزون علوم و بخصوص هنرها روی آوردن به مطالعات بین رشته‌ای را اجتناب ناپذیر نموده است. امروز اقبال عمومی دانشجویان و محققان به اجرای طرحهای تحقیقاتی و نوشتن پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های بین رشته‌ای، سیاستگذاران علمی، اعم از دولتی و غیردولتی، را ناگزیر به برنامه‌ریزی برای سازماندهی این نوع مطالعات نموده است، بخصوص که رشته‌های بین رشته‌ای دانشگاهی که تاکنون در حوزه جغرافیا تأسیس شده در مرحله اجرا با موفقیت‌ها و کاستی‌هایی همراه بوده است.

غلام‌حسین زاده، (۱۳۹۱: ۸۱) یکی از ویژگی‌های اصلی مطالعات بین‌رشته‌ای برخلاف نظام سلسله مراتبی و ارتباط عمومی بر ارتباط شبکه‌ای و هم ارز دانش‌ها و رشته‌ها نهاده شده است؛ یعنی در شکل فعلی نوعی تعارض پنهان میان نظام سازمانی الگوساز (با ساختار سلسله مراتبی) و اقتضات دانش و پژوهش میان رشته‌ای (الگوی شبکه‌ای) وجود دارد که به شکل پنهان و پیدا در برنامه «راهبردی»، نظام ارزشیابی و سازوکارهای اجرایی و کاربردی تأثیرمی‌گذارد. این تأثیرات هم در حوزه مفاهیم و تعاریف پایه این حوزه نمایان است و هم در اصل و فرع همایش‌ها و هم در سنخ و ماهیت مقالات و جهت‌گیری کلی ترجمه کتب دیده می‌شود (Nikuei, 1391: 92). در مجموع، مقالات و تحقیقات بین‌رشته‌ای جغرافیا بسیار فراوان می‌باشند و تاکنون در این زمینه تا حدی موفق بوده است شکل شماره (۲).

شکل شماره (۲): جنبه‌های مختلف میان رشته ای

ابعاد مفهومی میان رشته ای	عناصر بومی میان رشته ای
۱- مسائل چند بعدی	۱-اهداف
۲- بینش‌های میان رشته ای	۲-برنامه درسی
۳- تولید دانش تلفیقی	۳-تدریس و یادگیری
۴- فهم میان رشته‌ای	۴-هیات علمی
۵- ساختار میان رشته ای	۵-مدیریت

منبع: مهرمحمدی و کیدورزی (۱۳۸۹)

۵- بحث و نتیجه‌گیری

از مجموع نظرات مطرح شده و مطالعات انجام‌گرفته در رابطه با علم جغرافیا و ضرورت مطالعه میان رشته‌ای این علوم توان دریافت که این دانش تنها به مطالعه یک بعد از یک مکان یا فضا نمی‌پردازد، حتی در مواقعی که مطالعه تک بعدی دارد به ارتباط آن با ابعاد دیگر پرداخته و به نتیجه می‌رسد. مطالعه تک جنبه‌ای از هر دانش امری محال است، چرا که نظام علم و دانش مانند یک سیستم ارتباط متقابل و پیوسته با یکدیگر دارند. این امر حتی در دانش تجربی نیز ثابت شده است: به عنوان مثال

اگرچه کم خوری و ورزش کردن باعث کم شدن بافت چربی در کبد موش‌های آزمایشگاهی شده است، اما این امر تنها روی کبد اثر نمی‌گذارد بلکه باعث استحکام ماهیچه‌ها و همچنین قوام قلب این موش‌ها می‌شود (یانگ و همکاران، ۲۰۲۱). دانش جغرافیا نیز اینگونه می‌باشد برای مثال اگر در یک مکان تنها به مطالعه بهبود پوشش گیاهی آن پرداخته شود، این عمل اثر خود را بر روی خاک، آب و حتی میزان اکسیژن و دی‌اکسید کربن آن مکان گذاشته و به صورت زنجیره وار آنها را باهم ارتباط می‌دهد. این ارتباط زنجیره وار علوم با یکدیگر باعث شده نظام هستی به صورت یک سیستم در نظر گرفته شود به طوری که اختلال در یک عامل باعث بهبودی یا اختلال در عامل دیگر شود. همچنین این امر باعث شده که دانشمندان در بررسی‌های علمی خود از روش‌های علمی دیگر علوم نیز استفاده کرده و به نتایج رضایت‌بخشی برسند. حتی از نتایج دانش خود در عرصه‌های مختلف استفاده کنند. بنابراین با ایجاد رشته و گرایش‌های جدید در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا، یعنی زمانی که دانشجویان به مفاهیم اساسی دانش و رشته خود اشراف پیدا کرده‌اند. می‌توان پیوندی بین علوم مختلف برقرار نمود و با استفاده از آنها به پژوهش در زمینه‌های مختلف علمی پرداخت. با توجه به مسائل مطرح شده می‌توان به ضرورت مطالعه‌ی میان رشته‌ای جغرافیا پی برد. زیرا جوامع در هر دوره مسائل جدیدی را تجربه می‌کنند و لازمه عبور موفق از آن دوره به سوی آینده‌ای بهتر، یافتن راه حل‌های مناسب برای مشکلات و مسائل پیش آمده است و این تنها از طریق مشارکت و کمک گرفتن از دیگر رشته‌های علمی میسر می‌شود.

۱-۵- پیشنهادات

- ترمیم شکاف ایجاد شده در بین رشته‌ها در اثر تخصص گرایی
- استفاده از یافته‌ها و روش‌های رشته‌های همجوار و استفاده از روش‌های آن‌ها
- آموزش دادن یافته‌ها، مفاهیم پایه و شیوه‌های آن
- در دوره کارشناسی ارشد و دکتری می‌توان مباحث بین رشته‌ای را گسترش داد و هدف ما نیز ارائه پیشنهادهای و برنامه‌های کاربردی باشد.
- باید تأسیس گرایش‌ها را در اولویت قرار داد نه رشته‌ها
- حفظ پایه رشته اصلی، و سپس تأسیس گرایش در کنار آن
- محققان رشته جغرافیا تلاش نمایند تا علاوه بر توجه به نتایج و دستاوردهای حوزه تخصصی به نتایج مشخصی در زمینه علمی مختلف دست پیدا کنند.

منابع

Afrokhte, Hassan. (1395). Evolution of geography as an interdisciplinary science. *Interdisciplinary Studies in Humanities*, Volume 8, Number 30, pp. 119-132.

- Akbari Nouri, Reza. (1393). Critical thinking as a common method for humanities interdisciplinary studies, *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities*, Volume, 6 issues, 3 pp. 21-1.
- Barhani, Morteza. (1392). Discipline, e-learning and the division of sciences, the quarterly journal of *e-learning studies in humanities*, volume 5, number 2, pp. 59-78.
- Pariad, Rahman and Maroufi, Yahya. (1393). the unity of knowledge and human sciences; An approach between fields, *the quarterly journal of studies of fields in humanities*, period, 6 issues, 4 pp. -18.
- Turkashund, Zahra, Dadour, Fazileh. (1401). Analysis of the impact of interdisciplinary studies on the scientific dynamics of geography (with a focus on interdisciplinary studies of entrepreneurship-geography). *Geography, the scientific quarterly of the Iranian Geographical Society*, volume 20, number 75, pp. 1-20.
- Tawfighi, Jafar and Farastkhah, Maqsood. (1381). Structural tools of scientific development in Iran, *research and planning in higher education*, volume 8, number 3, pp. 36-1.
- Jabari, Iraj. (1400). The spread of science, interdisciplinary thinking and the risk of fundamental damage to the geography of Iran. *Geography and environmental sustainability*, volume 11, number 3,
- Hafez Nia, Mohammad Reza (1393) *Philosophy and nature of geography*, Tehran, Iran Geopolitical Association of Iran speech text taken from: [http: ..iag.ir.the-community.43-iag.462geomahiyat](http://iag.ir.the-community.43-iag.462geomahiyat)
- Hataminejad, Hossein. (1391). Radical Geography of Meinrich's Approach in Human Sciences, *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Human Sciences*, Volume 4, Number 3, pp. 15-31.
- Khorsandi Taskoweh, Ali. (1388). E-learning and its issues in higher education, *quarterly studies of e-learning in human sciences*, volume 1, number 2, pp. 101-85.
- Doserto, Michel (1382) *Walking in the city*, translated by Shahriar Waqfipour, first edition by Simon During; Nima Malek Mohammadi and Shahriar Waqfipour, a collection of articles on cultural studies, Tehran: Talchoon Publishing.
- Ghasemi, Ali Asghar and Emami Meibodi, Razia. (1394). The role and position of the studies of micro studies in the growth and development of humanities in the country, *the quarterly journal of studies of micro studies in human sciences*, period, 7 issues, 4 pp. 1-19.
- Ghanei, Rashid and Hosseini, Seyed Hassan. (1394). Criticism of the challenges of modern science from the point of view of Dr. Seyed Hossein Nasr, Philosophy of Science, *Research Institute of Humanities and Cultural Studies*, Volume 5, Number 1, pp. 112-101.
- Jing Yong et al, *Chop/Ddit3 depletion in β cells alleviates ER stress and corrects hepatic teatosis in mice*, Corresponding author: Jing Yong; Randal J.

- Kaufman, Sci. Transl. Med. 13, eaba9796 (2021) DOI: 10.1126/scitranslmed.aba9796.
- Ma Mefford, Louis (2006) *Farhang Shahr; translated by: Aref Kahami Moghadam*, first edition, Tehran: Publications of the Research Center for Urban Development and Architecture, Retal Comprehensive Human Sciences.
- Mehromhammadi, Mahmoud, & Kizouri, Amirhossein. (1390). indicators for evaluating the quality of academic interdisciplines; A tool for planning. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities*, 2(2), 89-112
- Kalaval, Paul (1373), *New Geography* (Translation: Siros Sohami), Mashhad: Chapar Organization.
- Golshani, Mehdi. (1396). The course of evolution from disciplinary sciences to interdisciplinary sciences and integrated sciences, philosophy of science, *Research Institute of Humanities and Cultural Studies*, period, 8 issues, 1 pp., 69-86.
- Alijani, Bahlol (1394) *The nature and definition of geography in the research method classroom*, Tehran: Khwarazmi University
- Gholamhosseinzadeh, Gholamhossein. (1391). The necessity of establishing interdisciplinary trends in the field of Persian language and literature. *Research and writing academic books*, Volume 16, 26, pp. 81-98.
- Rieazi, Seyyed Abolhassan (1392) *Interdisciplinary Phenomenal City*, *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Human Sciences*, 6(1) [http: ..dx. doi.org.10.7508.isih.2014.21.005](http://dx.doi.org/10.7508.isih.2014.21.005).
- Nikoyi, Alireza. (1391). *Persian literature audit plan based on interdisciplinary studies*. Unpublished research project, Persian Language and Literature Association.
- Afrakhteh, H. (2016). Transformation of Geography as an Interdisciplinary Science, *Interdisciplinary Studies in Humanities*, Vol. 8, No. 2, pp. 119-132.[persian].
- Baerwald, T. J. (2010). Prospects for Geography as an Interdisciplinary Discipline. *Annals of the Association of American Geographers*, 100(3), 493-501. doi: 10.1080/00045608.2010.85443.
- Berger, A. Briggs & G. M. L. Apstel (Eds.), *Interdisciplinary: Problems of teaching and research in universities* (pp. 97-121). Paris: *Organization for Economic Co-operation and Development*.
- Davari Ardakani, R. (2007). Scientific Development or Increased Number of Papers? *Journal: Name-ye Farhangestan*. 35:2-8 [persian].
- Han, S. J. , Abadi, M. , Jin, B. & Chen, J. (2020). *Cultivating interdisciplinary team creativity through an intensive design competition*. Higher Education, Skills and Work-Based Learning, ahead-of-print, doi: 10.1108/heswbl-06-2020-0141.
- Holt-Jensen, A. (1988). *Geography: History and Concepts*. ISBN: 1- 85396- 011-x. (Tabrizi, J. Trans.). Tehran. Seyr va Siahat Publication. [persian].
- Gilbert, G. K. (1909). *Earthquake forecasts*. *Science*, 29(734): 121-38.
- Mohammadi, H. (2013). *What is geography?* Tehran: University of Tehran Press [persian].

- Nandan. M. & London, M. (2013). Interdisciplinary professional education: *Training college students for collaborative social change*, Education + Training, Vol. 55, No. 8/9, pp. 815-835, <https://doi.org/10.1108/ET-06-2013-0078>.
- Natoli, s. I. (1994). *Guidelines for geographic education and the fundamental themes* in 10.1080/00221349408979676/93(1)2-6.
- Pöyhönen, S. (2017). Value of cognitive diversity in science, *Synthese*, Vol. 194, No. 11, PP. 451-454.
- Shahamat, N. (2015). Introduction to Creation of Interdisciplinary Structures in Higher Education, *New Approach in Educational Administration*, Vol. 6, No. 3, pp. 165-181.[persian].

